

عشق یونانی من

نویسنده:
مایکل هاگ

مترجم:
لاله به بین

۱۳۹۹

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۱
فصل ۱: هندوستان.....	۱۵
فصل ۲: انگلستان.....	۳۷
فصل ۳: بحران.....	۶۳
فصل ۴: کورفو- ویلای صورتی توت فرنگی.....	۷۵
فصل ۵: ویلای زرد نرگس.....	۱۰۳
فصل ۶: کاخ سفید در کالامی.....	۱۳۱
فصل ۷: ویلای سفید برفی.....	۱۵۳
فصل ۸: جنگ و متفرق شدن.....	۱۷۹
سخن آخر: خانواده، دوستان و حیوانات.....	۲۰۱

فصل ۱

هندوستان

خانواده دورل همگی در هندوستان متولد شده و مستعمره نشین بودند. انگلستان وطن فرهنگی آنان به شمار می‌آید و لوئیزا هم به طور اخص، از هندوستان به عنوان خانه واقعی خودش یاد می‌کند. لوئیزا که در کتاب *خانواده من و سایر حیوانات* از او به عنوان مادر یاد می‌شود، با نام لوئیزا دیکسی در سال ۱۸۸۷ در روکری و در پنجاب و در یک خانواده بزرگ متولد شد که همگی سالیان سال در هندوستان اقامت گزیده بودند. والدین او هم متولد پنجاب بودند و او با لورنس سامنول دورل که او هم متولد هندوستان و یک مهندس عمران جاه طلب و برجسته بود ازدواج کرد و به همراه او در سراسر منطقه راج سفر کرد. تمام فرزندان خانواده دورل ساکن هندوستان هستند و رنگ‌ها و عطرها و صدهای این شبه قاره شکل دهنده احساسات آنها خواهد بود.

با این وجود، لوئیزا در هندوستان از دو اتفاق غم‌بار رنج برد. اولی، از دست دادن فرزند دومش مارگری به دلیل دیفتری بود و سپس در سال ۱۹۲۸ با ضایعه دردناک مرگ ناگهانی همسرش به دلیل خونریزی مغزی مواجه شد. با توجه به توصیه دوستان در جامعه انگلیسی مبنی بر اینکه هندوستان محلی مناسبی برای بزرگ کردن یک خانواده جوان نیست، لوئیزای داغ‌دیده و از دست رفته، چند هفته پس از فوت همسرش تصمیم گرفت که به منظور بزرگ کردن فرزندان بی پدر، مهاجرت کند.

پدر لورنس سامنول دورل یک پسر روستائی متولد شده از زوجی بود که در زمان هجده سالگی او، سوفولک را ترک کرده و در ارتش هندی انگلیسی به رتبه

سرگرد ارتقاء یافته بودند. خانواده لوئیزا دیکسی از چند نسل قبل ساکن هندوستان بوده اند. پدر بزرگ او با هدف آموزش در رشته مهندسی عمران در دانشکده توماسون که اولین دانشکده مهندسی در امپراطوری بریتانیا بود، به منطقه روکری آمد (و اکنون تحت عنوان موسسه مشهور فناوری مشغول فعالیت است). پدر او سرپرست و حسابدار کارگاه و کارخانه ذوب فلز و اجرا کننده یک پروژه عظیم آبیاری ساخت انگلستان یعنی کانال گنگز بود که پنجاب را به یک ناحیه حاصل خیز در هندوستان تبدیل کرد.

زمانی که لورنس ساموئل برای اولین بار لوئیزا را در خانه دیکسیز در منطقه روکری ملاقات کرد، هجده ساله بود، او از زمان تحصیل در دانشکده توماسون با برادر بزرگتر لوئیزا، جان دیکسی آشنا شده بود و در بازی تنیس و رقصیدن و نمایش‌های مبتدی تئاتر با خانواده دیکسی همراهی می‌کرد. در آنجا بود که از عشق خود نسبت به خواهر جان یک دختر رویایی و حدوداً ۱۶ ساله و بازیگوش اما جذاب آگاه شده و حداقل یک سروگردن کوتاه‌تر از ملاقات کننده قد بلند و مشتاق و شیفته خود بود.

لورنس ساموئل پس از ترک دانشکده توماسون در سال ۱۹۰۴ به عنوان مهندس مشاور در راه آهن شمال غرب و به منظور نظارت کردن بر ساخت و ساز یک پل در مسیر سوتلج مشغول به کار شد که بزرگترین رود از پنج رودخانه پنجاب است و این پروژه، ارتقاء شغلی به عنوان مهندس منطقه کارنال در پنجاب را برایش به ارمغان آورد و او مسئولیت هر پروژه در منطقه را بر عهده گرفته بود. در سال ۱۹۱۰، که اعتماد او به شغلش افزایش می‌یافت، با لوئیزا ازدواج کرده و او را به جولوندور برده و سوار بر اسب از خط اصلی راه آهن به طرف خیبر پاس و افغانستان رفتند، جاییکه به عنوان مهندس منطقه‌ای راه آهن منصوب شده بود. یک سال بعد بود که اولین فرزندش، لورنس جورج دورل (لری) متولد شد.